

ظرفیتهای سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر «دوستدار کودک» در بهم

سیامک زندرضوی*، کیوان ضیائی**، مریم رحمانی***

طرح مسأله: در این پژوهش برای ایجاد ساز و کارهای مناسب جهت ایجاد اجتماع محله‌ای و جلب مشارکت شهروندان بویژه نوجوانان و جوانان در محدوده‌ای از شهر بهم که شهر دوستدار کودک نامگذاری شده است، به شناخت و سنجش ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی به عنوان پایه مشارکت شهروندان پرداخته شده است.

روش: روش پژوهش پیمایش است و ابزار جمع آوری داده‌ها، مصاحبه ساختار یافته می‌باشد که از نمونه‌ای به تعداد ۲۸۸ نفر زن و مرد بالای ۱۵ سال به عمل آمده و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعم از مشارکت، هنجار، اعتماد، احساس امنیت و انسجام) در محدوده مورد نظر، در مجموع متوسط می‌باشند و همین‌طور ارتباط مستقیم و معنی دار ابعاد هنجار، اعتماد با مشارکت اجتماعی و ارتباط غیر مستقیم و معنی دار احساس بی‌قدرتی با مشارکت اجتماعی تأیید شد. و میان میانگین مشارکت عینی رسمی با مشارکت عینی غیر رسمی و نیز مشارکت عینی سنتی با مشارکت عینی جدید تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از وجود ظرفیتهای لازم برای ایجاد اجتماع محله‌ای است اما ضعف در گرایش افراد به نهادهای مدنی، مدرن و سازمان‌یافته و نیز بعضی از ابعاد مشارکت ذهنی وجود دارد که می‌تواند ایجاد خلل نماید. برای بالاتر بردن مشارکت باید به ترتیب به عوامل کاهش احساس بی‌قدرتی و افزایش اعتماد و هنجار عمل متقابل در میان ساکنان توجه نمود. می‌توان با روشهایی چون «کارگاههای مسأله‌یابی مشارکتی»، «نشست‌های محلی»، «آموزش‌های محلی» و «مجله محلی» در پوشش ضعفها و افزایش مشارکت پرداخت.

کلیدواژه‌ها: بهم، شهر دوستدار کودک، اجتماع محله‌ای، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۸۸/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۸۶/۶/۶

* دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان <srazavi@mail.uk.ac.ir>

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

واحدهای سازمان ملل پس از زلزله بم تلاش نمودند تا اندیشه‌های مدرن را در عرصه نهادینه کردن مشارکت شهروندان در بم عملیاتی سازند. از جمله این اندیشه مفهوم شهر دوستدار کودک است که یونیسف پذیرفت بخشی از آن را در بم طراحی کند و به همراه شورای اسلامی و شهرداری بم اجرا نماید.

در زمینه اجرای این طرح دو بحث اصلی وجود داشت: ۱- تملک اراضی مورد نیاز تأسیسات پایه در شهر دوستدار کودک. ۲- ایجاد اجتماع محله‌ای و به عبارتی جلب مشارکت شهروندان از جمله کودکان، نوجوانان و جوانان در امر برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت، ارزشیابی و تقسیم‌منافع. این مقاله، حاصل پژوهش برای شناخت و سنجش ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی به عنوان پایه فرایند مشارکت شهروندان در ایجاد اجتماعات محله‌ای در محدوده مورد نظر می‌باشد که بتوان فرآیند دوم را بر مبنای نتایج آن تنظیم و عملیاتی کرد.

شهر دوستدار کودک به لحاظ جغرافیایی در بافت قدیمی شهر بم و در غرب «ارگ بم» و تقریباً در کانون زلزله ۵ دی ماه ۱۳۸۲ قرار دارد. از لحاظ مفهومی «شهر دوستدار کودک» مکانی است که تمام ساختارهای محلی برای دستیابی به حقوق کودکان و نوجوانان در آن به خوبی هماهنگ شده است و حضور و مشارکت فعال کودکان و نوجوانان در فرآیندهای برنامه‌ریزی، اجرا در سطح خانواده و اجتماع محلی تضمین شده است و مهمتر آنکه رویدادها و مراسم مورد علاقه کودکان و نوجوانان توسط خودشان برگزار می‌شود و برابری همه کودکان به عنوان شهروند برای دسترسی به تمامی خدمات تضمین می‌شود...» (شهروندان و مشارکت، شماره ۲۳: ۴-۱).

چارچوب نظری

۱) پیشینه نظری

سرمایه اجتماعی ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های لیدا جی هانیفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا مطرح شد که آن را «سرمایه نامحسوسی می‌دانست که

در زندگی روزمره افراد دارای اهمیت است» (Ferlander, 2003: 361). بعد از وی در دهه ۱۹۵۰ جان سلی، جامعه‌شناس شهری کانادایی و در دهه ۱۹۶۰، نظریه پرداز مبادله (هومنز) و استاد مسائل شهری به نام جین جاکوب این فکر را گسترش دادند (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۱). جین جاکوب این واژه را برای تأکید بر ارزشهای جمعی همبستگی‌های غیررسمی همسایگی در مادرشهرهای مدرن به کار برد (Putnam, 2002: 5). گلن لوری اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت جامعه‌شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصاد درون شهری به کار برد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰)، او سرمایه اجتماعی را «مجموعه منابعی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۸). در سال ۱۹۸۰ مفهوم سرمایه اجتماعی در پاره‌ای از یادداشت‌های مقدماتی پیر بوردیو انتشار یافت اما در ابتدا توجه کسی را به خود جلب نکرد چرا که در لابه‌لای صفحات مبتنی بر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پنهان مانده بود (پورتس، ۲۰۰۸: ۱۳۸۴)، به بیان بائوم تأکید بوردیو بر نقشهایی است که اشکال مختلف سرمایه در بازتولید روابط نابرابر قدرت ایفا می‌کنند (Australian Institute of Family Studies, 2001: 34). اما جیمز کلمن اولین کسی است که به صورت منسجم و قوی به بحث سرمایه اجتماعی می‌پردازد. به بیان پوتنام «وی اولین کسی است که بنیاد نهادی نظری سرمایه اجتماعی را پایه‌گذاری کرد» (کلمن، ۲۰۰۱: ۱۳۸۴) و همچنین فوکویاما هم، وی را «بانی کاربرد اصطلاح سرمایه اجتماعی» می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۰). او با مقاله «سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»، اثر مهمی را در منابع جامعه‌شناسی توسعه پدید آورد و رابرت پوتنام نیز در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب «بنای دموکراسی کار آمد؛ سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن» و در کار دیگرش در سال ۱۹۹۵ یعنی مقاله «بولینگ یک نفره؛ کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا» باعث توجه بیشتر عموم به مفهوم سرمایه اجتماعی شد. فوکویاما هم در گسترش مفهوم سرمایه اجتماعی نقشی بسزا ایفا نمود. وی با انتشار کتاب «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن» به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد می‌پردازد که باعث غنی‌تر گشتن مطالب مربوط به سرمایه اجتماعی شده است.

۲) چارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی و اجزاء آن

سرمایه اجتماعی که بسیاری از جمله پوتنام آن را جوهره حکومت مردمسالار و جامعه مدنی می‌دانند و بعضی هم چون فوکویاما جامعه مدنی را محصول این سرمایه می‌دانند، در بسیاری از تعاملات و رخداد‌های زندگی انسان در سطوح متفاوت حضور دارد. از زمانی که مفهوم سرمایه اجتماعی در میان محققان و صاحب‌نظران علوم مختلف رواج یافت، هریک به فراخور نگرش و هدف خود تعریفی ارائه داده‌اند که در زیر به بعضی از این تعاریف اشاره می‌گردد.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، سرمایه اجتماعی را شبکه‌هایی می‌داند که «همراه با هنجارها و ارزشها و فهم مشترک سبب تسهیل همکاری در درون و میان گروه‌ها می‌شود» (OECD, 2005: 45). پوتنام جوهره اصلی این مفهوم را شبکه‌های با ارزش می‌داند (Putnam, 2000: 24) و بیان می‌دارد «سرمایه اجتماعی ویژگی‌های سازمان اجتماعی همچون هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد است که هماهنگی و همکاری را برای رسیدن به سود متقابل و مشترک آسان می‌سازد» (Putnam, 1992: 167). رز^۱ نیز سرمایه اجتماعی را «مجموعه‌ای از شبکه‌های رسمی و غیررسمی می‌داند که افراد آن را به کار می‌گیرند تا بدان وسیله کالا و خدمات را برای مصارف مختلف تخصیص نمایند» (رز، ۱۹۹۹).

کلمن که سرمایه اجتماعی را با کارکردهایش تعریف می‌کند (Clair, 2005: 5) از ارتباط سرمایه‌انسانی و سرمایه اجتماعی و چگونگی کمک‌های سرمایه اجتماعی در افزایش و ایجاد سرمایه انسانی سخن می‌داند و آن را همچون کالای عمومی و نه خصوصی در نظر می‌گیرد (Coleman, 1988-9: 101). وی سرمایه اجتماعی را «مجموعه گوناگونی از هستی‌هایی می‌داند که دارای دو وجه مشترک هستند: همه آنها وجهی از ساختار اجتماعی را دارا می‌باشند و تسریع کننده اعمال خاص اشخاصی که در داخل ساختار فعالند، می‌باشند» (Coleman, 1994: 302). نظریه پرداز دیگر بوردیو، سرمایه را در سه شکل بنیادی

1-Rose

سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌داند (Bourdieu, 1992: 119) و بیان می‌دارد سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه - می‌باشد (بوردیو: ۱۴۷: ۱۳۸۴)، او اعتقاد دارد می‌توان سرمایه اجتماعی را بازتولید، انباشت و منتقل کرد (Bourdieu, 1993: 33) و فوکویاما هم آن را شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی می‌داند که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود «و این هنجارها می‌توانند از هنجار تعامل متقابل میان دو دوست تا تمام آنچه آموزه‌های مسیحیت و کنفوسیوس را شکل می‌دهد، متغیر باشد» (Fukuyama, 1999: 1).

با توجه به تعاریف فوق و نوع نگاه این پژوهش به این مفهوم می‌توان این وجوه مرتبط و درهم تنیده را در چارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی قائل شد، شبکه‌ها، مشارکت افراد در قالب شبکه‌ها، اعتماد، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و انسجام اجتماعی.

شبکه‌ها: شبکه‌ها به مثابه قالب‌هایی هستند که کنش جمعی در آنها تبلور می‌یابد و همان‌طور که کلمن، لوری (پورتس، ۱۳۸۴: ۳۱۲) و پوتنام (۲۰۰۰: ۲۰) تأکید کرده‌اند، شبکه‌های فشرده، شرط لازم برای تشکیل سرمایه اجتماعی هستند. پوتنام بحثی مفصل درباره شبکه‌ها دارد و شبکه‌ها را به دو نوع «افقی» و «عمودی» تقسیم می‌کند: در شبکه‌های افقی افراد دارای قدرت برابر هستند، موفقیت نهادی، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد زیاد وجود دارد و افراد از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند و در امور اجتماع مشارکت زیادی دارند. در مقابل در شبکه‌های عمودی، شهروندان دارای سلسله مراتب و بالطبع قدرت نابرابر هستند، اعتماد و همکاری در آن پایین است. گردش اطلاعات در این نوع شبکه هزینه‌بر و هنجارهای معامله متقابل پایین می‌باشد.

مشارکت اجتماعی: بسیاری مشارکت را نشانه دموکراتیزه شدن راستین قدرت می‌دانند (کولن، ۱۳۷۹: ۷۶) و آنشتاین نیز مشارکت را «نوعی توزیع مجدد قدرت می‌داند که به سبب آن شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسی اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند» (ازکیا و غفاری، ۲۹۱: ۱۳۸۳).

ساموئل پل مشارکت را مرتبط با مفهوم توسعه و در سطح محلی این گونه تعریف می‌کند: «مشارکت محلی فرایندی است فعال که در آن بهره‌مندان به جای آنکه صرفاً سهمی از مزایای طرح دریافت کنند، بر جهت‌گیری و اجرای پروژه‌های توسعه تأثیر می‌گذارند.» پل اهداف زیر را برای مشارکت بر می‌شمارد: ۱. مشارکت در هزینه‌های طرح (پرداخت پول)، انجام دادن کار یا ارائه کالا؛ ۲. افزایش کارآیی و اثربخشی طرح (ارائه مشاوره و دخالت در اجرای آن)؛ ۳. توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزشهای رسمی و غیررسمی و فعالیتهای آگاهی‌بخش (همانند گروه‌هایی که به اتکای خود خانه‌سازی می‌کنند)؛ ۴. افزایش اختیار (تسلط بخشهای محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد)» (سعیدی، ۱۰: ۱۳۸۲). با عنایت به نظریات مدرن در توسعه، مشارکت را می‌توان این گونه تعریف نمود: مشارکت، فرایندی است مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری است آگاهانه و داوطلبانه که «شرکت همه افراد ذی‌نفع در همه ابعاد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را در بر می‌گیرد» (زندرضوی الف: ۱۳۸۲: ۹۹). این پنج بعد علاوه بر آن‌که چارچوب مفهومی مشارکت را روشن می‌سازد، معیاری برای سنجش و تمایز مشارکت واقعی از مشارکت نمادین، مشارکت غیر واقعی، مشارکت ناقص و مشارکت فریب کارانه است.

بسیاری مشارکت را هدف توسعه و عده‌ای دیگر آن را وسیله‌ای برای نیل به توسعه می‌دانند که به نظر می‌رسد مشارکت هم هدف دستیابی و هم ابزار رسیدن به توسعه است، چنانچه گولت^۱ (۱۹۸۹) مشارکت را یک واقعیت ترکیبی اعم از هدف و ابزار می‌داند. بین مشارکت و سرمایه اجتماعی رابطه تنگاتنگی وجود دارد و حتی پوتنام در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا سرمایه اجتماعی باعث افزایش مشارکت می‌شود یا بر عکس، پاسخ می‌دهد که «من تفاوت چندانی بین مشارکت و سرمایه اجتماعی قائل نیستم، چون مشارکت که به شرکت مردم در شبکه‌های اجتماعی مختلف اشاره دارد تنها بیان دیگری

1- Goulet

برای سرمایه اجتماعی است و اینها دو واژه متفاوت برای یک رفتار هستند» (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

اعتماد و امنیت: اعتماد وضعیتی است که در آن افراد انتظار دارند دیگران چیزهایی را که اظهار کرده‌اند یا تعهد نموده‌اند، انجام دهند و هرچه قدر این اطمینان ما به دیگران بیشتر باشد، سطح اعتماد بالاتر می‌رود (Chima, 2003: 5). افه نیز اعتماد را به معنای «باور به عملی که از دیگران انتظار می‌رود»، تعریف می‌کند (افه، ۲۱۱: ۱۳۸۴) و این فضا زمانی به وجود می‌آید که اشخاص از یکدیگر انتظاراتی داشته باشند و قواعد مشخص و معینی را در معاملاتی که با هم دارند، رعایت کنند (مک کلنن، ۱۳۸۴: ۲۷۷).

پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند که همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد را ایجاد می‌کند و به این ترتیب هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده شود به جای استهلاک و کاهش، برخلاف سرمایه مادی، افزایش خواهد یافت. از نظر پاتنام هر چه تعامل افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می‌آورند و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند (ایمانی جاجرمی، ۳۸: ۱۳۸۴) و اعتماد «چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند» (همان: ۹۸). فوکویاما همه گروه‌هایی را که مظهر سرمایه اجتماعی هستند دارای نوعی شعاع اعتماد می‌داند و بیان می‌دارد که حلقه‌ای از افراد در هر گروه‌هایی موجود است که هنجار همکاری در میان آنها عمل می‌کند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

بسیاری در موضوع سرمایه اجتماعی، امنیت را همراه با اعتماد بررسی می‌کنند. امنیت در سطح محلی و ملی باعث افزایش ارتباطات و تمایل به حضور در اجتماع و همکاری می‌گردد و این امر در تحقیقات گوناگون به اثبات رسیده است (چلبی و امیرکافی، ۱۹: ۱۳۸۴).

هنجار عمل متقابل: گیدنز معتقد است که «هنجار قواعد رفتاری است که رفتار مناسب در محدوده معینی از زمینه‌های اجتماعی را مشخص می‌کند» (گیدنز، ۷۸۲: ۱۳۷۴). به بیان

کوئن هنجار فرهنگی «معیار رفتاری ثابتی است که گروه به لحاظ فکری یا رفتاری، از افراد انتظار دارد و آن را تأیید می‌کند» (کوئن، ۶۱: ۱۳۷۹) و اکثر قریب به اتفاق صاحب نظران بر این جنبه سرمایه اجتماعی تأکید دارند و آن را از اجزای اصلی این سرمایه می‌دانند.

به نظر پاتنام «هنجار عمل متقابل از یک سری روال‌ها تشکیل شده که در کوتاه مدت نوع دوستانه است، اما در مجموع هر شرکت کننده‌ای را منتفع می‌کند. این هنجار نوعی الگوی عملی است که فرد طبق آن در انجام دادن امور به منافع دیگران توجه می‌کند و گاهی آن را مقدم می‌داند» (ادوارد به نقل از قانعی راد و حسینی، ۱۱۱: ۱۳۸۴).

هنجارها، کارکردی دو سویه در ارتباط با سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند، بدین معنی که بعضی از هنجارها به افزایش سرمایه اجتماعی و تسهیل روابط میان افراد منجر می‌گردد و بالعکس بعضی دیگر از هنجارها، کاهش سرمایه اجتماعی را دربر دارند. چنانچه فوکویاما هم اشاره می‌کند «چنین نیست که هر مجموعه از هنجارهایی با مصداق عینی، به تشکیل سرمایه اجتماعی بیانجامد؛ این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در گروه بیانجامد و لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر اینها مرتبطاند» (فوکویاما، ۱۷۰: ۱۳۸۴).

انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی دلالت بر «توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی (احساس «ما» کردن) و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است» (ازکیا و غفاری، ۲۸۷: ۱۳۸۳). باشهان نیز با مترادف دانستن انسجام اجتماعی با مفهوم همبستگی بیان می‌کند که همبستگی وضعیتی است که در آن افراد به واسطه تعهدات فرهنگی و اجتماعی، به یکدیگر همبسته و وابسته‌اند (Bhushan, 1992: 109). این مفهوم اشاره دارد به «توافق با افرادی که در یک نظام اجتماعی مشارکت می‌کنند و بویژه به خاطر هنجارها، ارزشها، عقاید و ساختارهای آن با جامعه احساس نزدیکی کرده و به حمایت آن وابسته‌اند» (یعقوبی، ۲۳: ۱۳۸۳). چلبی نیز بیان می‌دارد که «وفاق موجبات حل دو مشکل، پیش‌بینی پذیری رفتارهای اجتماعی و تعاون اجتماعی، می‌شود و با حل این دو مشکل و همزمان با

ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری اجتماعی متقابل، مشارکت اجتماعی که خود پیش شرطی برای اصلاح و توسعه اجتماعی است، فراهم می‌شود (چلبی، ۱۹: ۱۳۷۲ به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۷) و در واقع سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و همین‌طور شرایط لازم را برای ظهور اجتماع محله‌ای فراهم می‌سازد.

۳) اجتماع محله‌ای و سرمایه اجتماعی

برای روشن شدن مفهوم اجتماع محله‌ای ابتدا به مفهوم اجتماع (Community) اشاره می‌شود که در این زمینه پوتنام «سرمایه اجتماعی و اجتماع را عموزاده‌های مفهومی می‌داند و بر این نکته صحنه می‌گذارد که رابطه مثبتی بین این دو وجود دارد» (Ferlander, 2003: 6). «کلمه اجتماع این فکر را در به ذهن متبادر می‌کند که اعضای آن ارتباطاتی با هم دارند که شامل تجارب مشترک، ارزش‌ها یا منافع است که قابل اشتراک گذاشتن هستند، آنها ممکن است با یکدیگر تعامل داشته باشند و در عین حال دغدغه رفاه جمعی مدنظرشان است.

«اجتماع محله‌ای» فضایی است تعاملی، متکی به کنش‌های متقابل رویاروی تعدادی از شهروندان که در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند. کودکان آنان در فضاهای عمومی مشترک آشنا می‌شوند و گروه همسالان را شکل می‌دهند که پیامد آن نوعی رابطه آشنایی والدین است و لانگ با تفاوت قائل شدن میان محله و اجتماع محله‌ای تأکید دارد که محله نوعاً موجودیتی فیزیکی و کالبدی است ولیکن اجتماع محله‌ای جنبه اجتماعی را در نظر دارد (Lang, 1994: 13).

جورج هیلری پس از بررسی بیش از ۹۰ تعریف در این زمینه، بر وجود سه اصل مشترک در تعریف اجتماع محلی تأکید می‌کند: ۱. یک گستره جغرافیایی ۲. پیوندهای مشترک ۳. تعامل اجتماعی. بررسی وی نشان می‌دهد در حالی که اجماع نظری پیرامون تعریف این اصطلاح وجود ندارد، با این حال روشن است که هر اجتماع محلی اصطلاحی

عمومی برای یک وضعیت خاص، دارای روابط متقابل اجتماعی و جنبه‌های خاص سازمان اجتماعی است (ایراندوست، ۱۰۸: ۱۳۸۴).

«هنگامی که از اجتماع و چگونگی زندگی در اجتماع سخن به میان می‌آید، اصطلاحی که اغلب در کنار این مفهوم مطرح می‌شود، سرمایه اجتماعی است» (Snook, 2002: 9) و هانی فان برای اولین بار از واژه سرمایه اجتماعی استفاده می‌کند و علاوه بر آن تحقق سرمایه اجتماعی را در بستر اجتماع محله‌ای و روابط همسایگی بسط می‌دهد. باس معتقد است «نظریه سرمایه اجتماعی معطوف به بسط قضایایی در مورد شرایطی است که تحت آن حکومت‌ها و اجتماعات محلی بتوانند برای نیل به اهداف مشترک، تعاون و همکاری داشته باشند ... و به نظرمی رسد که سرمایه اجتماعی برای ارتقای مشارکت محلی و توسعه خود اتکا، امری ضروری می‌باشد» (ازکیا و غفاری، ۲۷۹: ۱۳۸۳).

در مجموع یکی از بسترهای شبکه‌ای که سرمایه اجتماعی می‌تواند در آن تحقق عینی پیدا کند، اجتماع محله‌ای می‌باشد و به عبارتی اجتماع محله‌ای همان سرمایه اجتماعی می‌باشد که در کالبد فضای مشخص و محدوده مکانی، تعیین می‌یابد و به شکل مدرن خود (یعنی آگاهانه، انتخابی، داوطلبانه و پایدار) به فعلیت می‌رسد و وجود سطحی از تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی (اعم از اعتماد، هنجار، انسجام، مشارکت) برای تشکیل اجتماع محله‌ای لازم و ضروری می‌نماید و از آنجا که زمان برای ایجاد اجتماع محله‌ای در بم به طور عام و در «شهر دوستدار کودک» به طور خاص فراهم است (زند رضوی، ۱۳۸۴). شناخت ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی به عنوان پایه‌ای برای عملیاتی ساختن اجتماع محله‌ای و چگونگی برنامه‌ریزی در این منظور، ضروری می‌نماید که در این زمینه مشارکت اجتماعی به عنوان مفهوم مرکزی و اصلی سرمایه اجتماعی و بالطبع اجتماع محله‌ای است و عواملی چون هنجار عمل متقابل، اعتماد اجتماعی، انسجام و اعتماد اجتماعی دیگر سازه‌های سرمایه اجتماعی هستند که سبب افزایش و تسهیل فرایندها برای مشارکت اجتماعی شهروندان در ایجاد اجتماع محله‌ای می‌شوند. احساس بی‌قدرتی نیز عاملی است که مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی افراد است و در صورت بالا بودن این عامل در شهروندان دیگر شاهد عدم تمایل کنشگران در تشکیل شبکه اجتماعی محلی خواهیم بود.

روش تحقیق

از آن جا که پیمایش روشی برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی است (ادواردز و همکاران، ۱۷: ۱۳۷۹) در این تحقیق نیز با توجه به موضوع پژوهش، در عمل دو پیمایش متصل به یکدیگر انجام شد. پیمایش اول تحت عنوان «پیمایش اعضاء خانوار» با توجه به این که هیچ گونه اطلاعات پایه‌ای و جمعیتی در بم بعد از زلزله دی ماه ۱۳۸۲ وجود نداشت و با هدف انجام فهرست برداری، مشخص نمودن مشخصات جمعیتی (دموگرافیک) افراد ساکن در منطقه (سن، جنس، وضع فعالیت، شغل و ...) انجام شد و هدف پیمایش دوم سنجش ظرفیتهای سرمایه اجتماعی در میان ساکنان شهر دوستدار کودک بود.

جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه گیری

حجم جامعه آماری بالای ۱۵ سال، معادل ۱۴۱۷ نفر بود که بر اساس فرمول کوکران، ۲۸۸ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای تعیین دقیق افراد نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد، به این صورت که در عمل شهر دوستدار کودک به ۷ منطقه تقسیم و بر اساس نتایج پیمایش اعضای خانوار، نمونه‌های بالای ۱۵ سال به صورت تصادفی و متناسب با حجم هر منطقه انتخاب شدند.

۳-۴ پایایی و روایی ابزار

برای سنجش داده‌ها، پرسشنامه‌ای با ۵۶ سؤال در قالب ۱۱۰ گویه در نظر گرفته شد، سؤالات اکثراً در قالب طیف لیکرت و متناسب با فضای بومی بم طراحی شدند. در ابتدا به روش همسازی درونی گویه‌ها، گویه‌هایی که همبستگی معنی‌دار با سایر گویه‌های همان شاخص داشتند مورد تحلیل نهایی قرار داده شد و گویه‌های دارای همبستگی کم حذف گردید. آلفای کرونباخ شاخص‌ها به تفکیک ابعاد، محاسبه شد. در همه موارد، آماره‌های آنها بالاتر از ۰/۷ بود. برای تعیین اعتبار صوری، گویه‌ها به استادان و محققان مطلع نشان داده شد و مورد بازبینی و تصحیح و توافق قرار گرفت. برای تعیین اعتبار سازه‌ای نتایج

تحلیل عاملی نشان داد شاخصهایی که برای سرمایه اجتماعی برگزیده شده‌اند، توان تشکیل عامل سرمایه اجتماعی را دارند، چون آزمون KMO برابر با ۰/۶۶۲ شد و نتیجه آزمون بارتلت صفر شد که معنادار است.

جدول شماره ۱: ابعاد، شاخصها و تعاریف عملیاتی متغیر سرمایه اجتماعی

سازه‌های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی			
ابعاد	شاخص		تعریف عملیاتی
			تصور فرد از پیامدهای مشارکت
			احساس مفید بودن در مشارکت گذشته خود
			احساس حمایت و تمایل مقامات دولتی به مشارکت فرد
			آگاهی از بعد عمومی و غیر خصوصی مشارکت
			تمایل فرد به مشارکت
عینی	رسمی	اشکال ستی	انجمنهای خیریه، انجمنهای مذهبی، بسیج
		اشکال جدید	تیم و باشگاه ورزشی، حزب، سازمان غیردولتی، انجمن اولیاء و مربیان، تعاونی کشاورزی
	غیر رسمی	اشکال ستی	هیئت‌های مذهبی محلی، فعالیتهای نذر، یاری رساندن به همسایگان در مشکلاتی مانند نگهداری از فرزند همسایه، مراقبت از منزل ایشان و ...
		اشکال جدید	همکاری و پیگیری با سازمانهای دولتی و غیر دولتی برای حل مشکلات محلی و بازسازی شهر به صورت سازماندهی نشده و داوطلبانه (مانند مراجعه به ستادها، فرمانداری، شهرداری و ...)
ارزشهای اخلاقی (هنجارهای عمل متقابل) در میان همسایگان		صداقت و درستی، مسئولیت پذیری، وفاداری نسبت به یکدیگر، پایبندی به قول و قرار، امانت داری، تقلب و کلاهبرداری، خودمختاری، مدارا و سعه صدر، پذیرش درخواست کمک به یکدیگر، همکاری برای حل مشکلات منطقه،	

ابعاد		شاخص	تعریف عملیاتی
اعتماد اجتماعی	بین شخصی	اعتماد به آشنایان مانند اعضای خانواده، همسایگان، هم محله‌ای‌ها، خویشاوندان، دوستان	
	تعمیم یافته	اعتماد به مردم جامعه (غریبه‌ها و افراد غیر آشنا)	
	نهادی و صنفی	اعتماد به سازمانهای غیردولتی، گروهها، و صنف‌ها	
انسجام	دولتی	اعتماد به ارگانها، اداره‌ها و مراکز دولتی	
	تعامل	پیوندهای عینی بین افراد مبتنی بر شدت تماس و ارتباط افراد با اعضای شبکه خود (خویشاوندان، دوستان و همسایگان)	
احساس امنیت در محله	گرایش	شدت پذیرش و وجود احساس تعلق جمعی در میان افراد محل و آشنایان	
		احساس امنیت در محله در روز احساس امنیت در محله در شب	
عامل بازدارنده در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی			
نام عامل		تعریف	
احساس بی‌قدرتی		احساس تاثیرگذار بودن در فرایندهای موجود سطح محله و جامعه به لحاظ سیاسی و اجتماعی	

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویه‌های مشارکت اجتماعی

مشارکت	مشارکت عینی				مشارکت ذهنی						شاخص		
	مشارکت عینی کل	رسمی		غیر رسمی		مشارکت ذهنی کل	آگاهی از بعد عمومی غیر خصوصی مشارکت	احساس حمایت و تمایل مقامات دولتی به مشارکت در فرد	احساس مفید بودن در مشارکت گذشته فرد	تصور فرد از پیامدهای مشارکت	تمایل فرد به مشارکت	شدت	کم
		جدید	سنتی	جدید	سنتی								
	۴۵۹	۱۶۴	۱۶۱	۱۰۱	۳۳	۳۸۶	۱۶۴	۹۳	۱۰۸	۱۵	۶	فراوانی	
	۴۲/۵	۵۷/۳	۵۹/۴	۳۹/۹	۱۲/۲	۳۱/۳۰	۵۷/۳	۳۶/۹	۳۸/۲	۷/۱	۲/۸	درصد	
	۴۱۰	۸۴	۸۷	۱۳۰	۱۰۹	۶۱۲	۸۴	۱۳۸	۱۱۱	۱۶۹	۱۱۰	فراوانی	
	۳۷/۹۶	۲۹/۴	۳۲/۱	۵۱/۴	۴۰/۴	۴۹/۶۳	۲۹/۴	۵۴/۸	۳۹/۲	۸۷/۱	۵۰/۵	درصد	متوسط
	۲۱۱	۳۸	۲۳	۲۲	۱۲۸	۲۳۵	۳۸	۲۱	۶۴	۱۰	۱۰۲	فراوانی	
	۱۹/۵۳	۱۳/۳	۸/۵	۸/۷	۴۷/۴	۱۹/۰۵	۱۳/۳	۸/۳	۲۲/۶	۵/۲	۴۶/۸	درصد	زیاد
	۱۰۸۰	۲۸۶	۲۷۱	۲۵۳	۲۷۰	۱۲۳۳	۲۸۶	۲۵۲	۲۸۳	۱۹۴	۲۱۸	فراوانی	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع

یافته‌ها

مشارکت در دو بعد ذهنی و عینی سنجیده شده است، در بعد ذهنی شناختها، احساسات، ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و تمایلات درونی به مشارکت و به عبارتی آمادگی روانی افراد مد نظر بوده و در بعد عینی، رفتار و عمل بیرونی فرد و به عبارتی سطح مشارکت فرد در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی زندگی روزمره و در اشکال سنتی و مدرن دیده شده است. یافته‌های فوق در مجموع حاکی از وجود سطح متوسط مشارکت ذهنی و همچنین سطح پایین و متمایل به متوسط مشارکت عینی می‌باشد. در مشارکت ذهنی تمایل افراد به مشارکت، متوسط و تا حدی زیاد بوده، لیکن تصور اکثر پاسخگویان از پیامد مشارکت و اینکه در اثر مشارکت چه چیز حاصل می‌شود، در حد متوسط است و به عبارت آماری، نمای توزیع پاسخگویان به طور کاملاً محسوسی در حد متوسط است و در بعد «احساس اثر بخشی و مفید بودن مشارکت در گذشته فرد»، شدت گرایش در سه سطح کم، متوسط و بالا توزیع طبیعی داشته است و احساس افراد از حمایت دولت‌مردان در مشارکت‌شان، متوسط متمایل به پایین است. نهایتاً اکثر افراد مشارکت را بیشتر در عرصه خصوصی و خانوادگی و منافع شخصی می‌بینند و آگاهی کمتری از زمینه‌ها و بسترهای عمومی مشارکت دارند. مشارکت عینی افراد در کل پایین متمایل به متوسط است که تفاوت‌های معنی داری در مشارکت رسمی با مشارکت غیر رسمی و همین طور در مشارکت سنتی با مشارکت جدید وجود دارد (با $p \text{ value} < 0/05$ براساس آزمون یومان ویتنی). در مشارکت سنتی شدت گرایش میان هر سه سطح توزیع تقریباً طبیعی داشته است در صورتی که مشارکت در شکل جدید پایین و کمی متمایل به متوسط می‌باشد. در کل مشارکت اجتماعی در سطح متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویه‌های اعتماد، انسجام، احساس امنیت و هنجار عمل متقابل:

هنجار عمل متقابل	احساس امنیت	انسجام			اعتماد اجتماعی					شاخص	
		انسجام کل	گرایش	تعامل	اعتماد کل	دولتی	نهادی صنفی	تعمیم یافته	بین شخصی	فراوانی	طیف
۲۹	۸۲	۱۸۷	۱۲۶	۶۱	۲۴۲	۵۰	۳۰	۱۳۷	۲۵	فراوانی	کم
۱۱/۲	۲۹/۸	۳۶/۳۱	۴۴/۲	۲۶/۵	۲۲/۸	۱۸/۹	۱۱/۴	۴۸/۶	۱۰	درصد	
۱۳۱	۱۳۵	۲۳۴	۱۰۲	۱۳۲	۶۱۸	۱۳۱	۱۶۰	۱۳۹	۱۸۸	فراوانی	متوسط
۵۰/۸	۴۹/۱	۴۵/۴۳	۳۵/۸	۵۷/۴	۵۸/۲	۴۹/۴	۶۰/۶	۴۹/۳	۷۵/۲	درصد	
۹۸	۵۸	۹۴	۵۷	۳۷	۲۰۱	۸۴	۷۴	۶	۳۷	فراوانی	زیاد
۳۸	۲۱/۱	۱۸/۲۵	۲۰	۱۶/۱	۱۹	۳۱/۷	۲۸	۲/۱	۱۴/۸	درصد	
۲۵۸	۲۷۵	۵۱۵	۲۸۵	۲۳۰	۱۰۶۱	۲۶۵	۲۶۴	۲۸۲	۲۵۰	فراوانی	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

در مجموع در بین پاسخگویان مقدار شاخص‌های اعتماد و احساس امنیت متوسط، مقدار شاخص و هنجار عمل متقابل، متوسط متمایل به بالا، و مقدار شاخص انسجام متوسط متمایل به ضعیف می‌باشد. در میان ابعاد شاخص اعتماد، بعد اعتماد تعمیم یافته مقدار کمتری نسبت به دیگر ابعاد دارد، البته اعتماد نهادی و صنفی به نسبت، وضعیت بهتر و نیز اعتماد تعمیم یافته وضعیت پایین تری از دیگر ابعاد را دارا می‌باشند. در کل مقدار اعتماد اکثر پاسخگویان در سطح متوسط می‌باشد. در شاخص انسجام و بعد تعامل آن، وضعیت پاسخگویان در سطح متوسط است، ولی بعد گرایش در این شاخص وضعیت ضعیف رو به متوسطی دارد. در شاخص امنیت نیز نزدیک به نیمی از پاسخگویان احساس امنیت متوسط داشته و مابقی در دو سطح کم و زیاد به ترتیب با ۳۹/۸ و ۲۱/۱٪ جای گرفته‌اند و بالاخره شاخص هنجار عمل متقابل دارای وضعیت بهتری نسبت به دیگر شاخص‌ها می‌باشد، هر چند که نظر پاسخگویان در این شاخص هم در نهایت متوسط (و البته رو به بالا) می‌باشد.

از آنجا که یکی از اهداف این مطالعه، شناخت ظرفیت‌های سرمایه‌های اجتماعی برای ایجاد مشارکت شهروندان در منطقه شهر دوستدار کودک می‌باشد روابط درونی عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی نیز آزمون شد. مشارکت اجتماعی که پایه و جوهره اصلی سازنده اجتماع محله‌ای به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های انسجام، احساس امنیت، اعتماد، هنجار، احساس بی‌قدرتی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۴: خلاصه وضعیت ارتباط میان متغیر وابسته با متغیرهای مستقل

نام متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع آزمون	نتیجه آزمون همبستگی	آماره آزمون معنی داری	نوع رابطه	شدت همبستگی
هنجار عمل متقابل	مشارکت اجتماعی	اسپیرمن	رابطه دارد	۰/۰۱	مستقیم	۰/۳۳
اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اسپیرمن	رابطه دارد	۰/۰۰	مستقیم	۰/۳۱
احساس امنیت	مشارکت اجتماعی	اسپیرمن	رابطه ندارد	۰/۳۲	-	----- --
انسجام	مشارکت اجتماعی	اسپیرمن	رابطه ندارد	۰/۸۱	-	----- --
احساس بی‌قدرتی	مشارکت اجتماعی	اسپیرمن	رابطه دارد	۰/۰۰	غیر مستقیم	-۰/۴۹

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود ارتباط مشارکت اجتماعی با متغیرهای هنجار عمل متقابل، اعتماد اجتماعی به صورت مستقیم و نیز با احساس بی‌قدرتی به صورت رابطه غیر مستقیم تأیید شد، اما ارتباط آن با احساس امنیت و انسجام جامعه تأیید نگردید. مقدار همبستگی متغیر وابسته (مشارکت) با ترکیب خطی متغیرهای مستقل (به ترتیب اهمیت در تبیین متغیر وابسته) یعنی احساس بی‌قدرتی، هنجار و اعتماد برابر ۰/۵۷ و ضریب تعیین آن ۰/۳۳ است. یعنی مقداری از پراکنش متغیر مشارکت که از طریق متغیرهای موجود در تحلیل، تبیین شده برابر ۰/۳۳ است.

جدول شماره ۵: نتایج رگرسیون متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی

عنوان	B	Beta	مقدار t	سطح معناداری
احساس بی‌قدرتی	-۰/۳۴	-۰/۳۶	۵/۰۶	۰/۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۲۳	۰/۲۰	۲/۶۹	۰/۰۰۸
هنجار عمل متقابل	۰/۱۳	۰/۱۹	۲/۶۸	۰/۰۰۸
عرض از مبداء	۱/۶۰	----	۶/۰۱	۰/۰۰

بر اساس مقادیر B (ضریب زاویه رگرسیون)، معادله رگرسیونی چند متغیره به صورت زیر می‌باشد:

$$\text{(هنجار عمل متقابل)} (۰/۱۳) + \text{(اعتماد اجتماعی)} (۰/۲۳) + \text{(احساس بی‌قدرتی)} (-۰/۳۴) + ۱/۶۰ = \text{مشارکت اجتماعی}$$

بحث و نتیجه‌گیری

در سالهای اخیر رویکردهای مشارکت‌جویانه در فضاهای شهری و روستایی و با تأکید بر نقش محلات به سرعت در حال گسترش است که در این میان مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان راه‌حل عملی و لازم در سطح اجتماعات محلی، برای حل مشکلات توسعه با نظر به روند جهانی شدن و کاهش نقش دولتهای ملی، توجه سیاستگذاران و مسؤولان سیاست اجتماعی را به خود جلب کرده است (Warenny, 1999: 60) و در واقع نظریه سرمایه اجتماعی به ما کمک می‌کند تا فرایندهایی را درک کنیم که مناطق محلی را به اجتماعات تبدیل می‌کند، (Roiseland, 2005: 34). اگر یک اجتماع محله‌ای، شبکه‌ای از اشخاص با ارتباط متقابل باشد که عموماً در یک منطقه معین زندگی می‌کنند، در آن صورت سرمایه اجتماعی آن چیزی است که سبب به وجود آمدن و عینیت یافتن اجتماع محله‌ای می‌گردد (مانند گروهی با روابط و هویت محله‌ای)، لذا در ہم نیز برای ایجاد اجتماعات محلی در شهر دوستدار کودک که مبتنی بر مشارکت پایدار ساکنان منطقه می‌باشد، لازم است ظرفیت سرمایه اجتماعی بالاخص مشارکت اجتماعی و همچنین عوامل مؤثر بر مشارکت در منطقه مورد نظر شناخته شود و متناسب با آن برنامه‌ریزی‌های لازم صورت پذیرد.

مشارکت را می‌توان جوهر سرمایه اجتماعی دانست که در واقع پایه مفهومی اجتماع محله‌ای را می‌سازد و «مردم محلی را قادر می‌سازد تا تحلیل را خود انجام دهند، کنترل امور را به دست گیرند، اعتماد به نفس بیشتری کسب کنند و تصمیمات را خود اتخاذ کنند» (چمبرز، ۱۲۰: ۱۳۷۶) اما برای تحقق چنین مشارکتی باید آمادگی روانی و ذهنی لازم در کنشگران وجود داشته باشد تا تحقق کنش جمعی میسر گردد و از سوی دیگر سنجش رفتار عملی یا عینی مشارکت افراد - که دربردارنده همه ابعاد «اجرا»، «تقسیم منافع و سود»، «تصمیم‌گیری»، «مدیریت»، «ارزشیابی و ارزیابی» در همه افراد مشارکت‌کننده محلی است - علاوه بر آن که نشان‌دهنده مقدار واقعی مشارکت افراد محلی است، الگوی کنش گروهی آنها - سنتی یا مدرن؛ رسمی یا غیر رسمی - را نیز مشخص می‌سازد.

یافته‌ها حاکی از این بود که مشارکت ذهنی وضعیت متوسطی دارد ولیکن در مشارکت عینی با وضعیت ضعیف‌تر و پایین‌تری روبه‌رو هستیم. شهروندان نکته‌نگران‌کننده این است که مشارکت اجتماعی در قالب اشکال جدید و نیز شبکه‌های رسمی ضعیف می‌باشد و از آنجا که مقصود، ایجاد اجتماعات محله‌ای یا سازمان اجتماع محور^۱ است و این نوع شبکه‌های رسمی محلی و همسایگی، در بسیاری از موارد مبتنی بر کنش‌های مدرن مشارکت هستند، این ضعف می‌تواند به صورت جدی خلل وارد سازد ولیکن از آنجا که تمایل به مشارکت در میان ساکنان محدوده نسبتاً مناسب و بالا است لذا جای امیدواری است که بتوان این ضعف را با برنامه‌ها و آموزش مناسب کاهش داد.

در ایجاد اجتماعات محله‌ای مبتنی بر سرمایه اجتماعی افراد محلی لازم است که عواملی که می‌تواند بر تشکیل این اجتماع محلی نقش اساسی داشته باشند مورد بررسی قرار گیرند و به عبارتی از آنجا که جوهر اجتماع محلی را مشارکت اجتماعی می‌سازد، بنابراین عواملی که بر مشارکت تأثیر خواهند داشت، باید مورد بررسی قرار گیرند. در یافته‌های تحقیق دیده شد که مطابق انتظار نظری، هنجارهای اخلاقی و اعتماد اجتماعی ارتباط معنی‌دار و مستقیمی با

1- Community-based organization (CBO)

مشارکت دارند که البته شدت همبستگی آنها تقریباً در حد متوسط است، اما برخلاف انتظار، انسجام و احساس امنیت ارتباط معناداری با مشارکت نداشتند. از سوی دیگر میان احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی، همبستگی متوسط و غیرمستقیم وجود دارد و از آنجا که فراوانی احساس بی‌قدرتی در جامعه مورد مطالعه در حد متوسط رو به بالا می‌باشد، لذا توجه به این امر می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. یکی از روش‌های مهم برای افزایش مشارکت محلی و شروع فرایند ایجاد اجتماع محله‌ای تشکیل کارگاه‌های مسأله‌یابی مشارکتی می‌باشد. «ارزیابی مشارکتی^۱ یا مسأله‌یابی مشارکتی نوعی اقدام‌پژوهی^۲ است که در آن به کمک افراد منتخب جامعه مورد مطالعه از مهمترین مسائل مربوط با آنان، فهرستی تهیه می‌شود و قدم به قدم با هدایت آنان، امر پژوهش از تعریف مسأله تا جمع‌آوری داده‌ها و نتیجه‌گیری و پیشنهاد راه‌حل به سرانجام می‌رسد. در این روش بر خلاف روش‌های کلاسیک میان نقش‌های پژوهشگر و پژوهش‌شونده دائماً نوعی جابه‌جایی صورت می‌گیرد که این فرایند با تکیه بر عقلانیت جمعی بیشترین اطلاعات عرضه، دسته‌بندی و داوری شده و نیز مشکلات و راه‌حل‌ها آشکار می‌گردد» (زندرسوی ب، ۴۳: ۱۳۸۲).

1- participatory assessment
2- action research

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران. نی.
- ادواردز، جکئی و همکاران. (۱۳۷۹)، تحقیق پیمایشی راهنمای عمل، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- افه، کلاوس. (۱۳۸۴)، چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، صفحات: ۲۷۴-۲۰۱، تهران، نشر شیرازه.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۴)، مروری بر اهمیت بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات محلی فقیر، نمایه، مجموعه مقالات تخصصی مدیریت اجتماعی و فرهنگی شهری، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و مدیریت شهر، نشریه مدیریت، شماره ۲، صفحه ۴۵-۳۴.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، صفحات: ۱۶۶ - ۱۳۱، تهران، نشر شیرازه.
- پورتس، آلهاندرو. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، خاستگاه و کاربردهایش در جامعه‌شناسی مدرن، مجموعه مقالات سرمایه و اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، صفحات: ۳۴۸ - ۳۰۳، تهران، نشر شیرازه.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، مصاحبه با پروفسور پاتنام، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، صفحات: ۱۳۰ - ۱۱۳، تهران، نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود، مهدی امیرکافی. (۱۳۸۴)، تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صفحه ۳۱-۳.
- چمبرز، رابرت. (۱۳۷۶)، توسعه روستایی اولویت بخشی به فقرا، مصطفی ازکیا، تهران، دانشگاه تهران.
- زند رضوی، سیامک (۱۳۸۲) الف، موانع مؤثر بر مشارکت مردم در حفظ منابع طبیعی تجدید شونده در ایران، رساله دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علوم طباطبایی تهران.
- زند رضوی، سیامک (۱۳۸۲) ب، پژوهش عملی مشارکتی، اهمیت و کاربرد آن (راهنمای اجرایی کارگاه مساله‌یابی مشارکتی)، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، شماره ۳، سال دوم.

- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیردولتی، تهران، سمت.
- شهروندان و مشارکت. (۱۳۸۴). خبر نامه دفترهماهنگی اجتماعات محلی شهرستان بام، شماره ۲۳:
- Http://Akhbar_Bam.blogspot.com
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، صفحات: ۲۰۰-۱۶۷، تهران، نشر شیرازه.
- قانع‌ی راد، محمد امین و فریده حسینی. (۱۳۸۴)، ارزشها، شبکه روابط و مشارکت در سازمانهای غیر دولتی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳: ۱۲۳-۹۷.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صبوری، تهران، نی.
- کلمن، جیمز. (۱۳۸۴)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی سرمایه، صفحات: ۹۰-۴۱، تهران، نشر شیرازه.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۹)، مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ یازدهم، تهران، سمت.
- کولن، رولان. (۱۳۷۹)، «نهادی کردن مشارکت مردم در توسعه»، مجموعه مقاله مشارکت در توسعه، هادی غبرائی و داود طبائی، تهران، سروش.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴)، تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ناصر توفیقیان، تهران، نی.
- مک کلنن، ادوارد. (۱۳۸۴)، اعتماد و مبادله بازاری، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی سرمایه، صفحات: ۳۰۰ - ۲۷۷، تهران، نشر شیرازه.
- ولکاک، مایکل و دیپا نارایان. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، صفحات: ۵۶۶-۵۲۵، تهران، نشر شیرازه.
- یعقوبی، اسماعیل. (۱۳۸۳)، عوامل همبستگی و گسستگی ایرانیان، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- Australian Institute of family studies. (2001). **family life and social capital**, Available at: www.aifs.org.au
- Bhushan, B (1992). **Dictionary of Sociology**, Anmol Reprint
- Bourdieu, Pierre & Waquant, Loic J.D. (1992). **The Purpose of Reflexive Sociology**, University of Chicago.
- Bourdieu, Pierre. (1993). **Sociology of Question**, Translated by Richard Nice, London: sage Publication
- Chaima, G. (2003). **Social capital, Reviewing the concept and Its policy Implications**, Melbourne: productirity commission.
- Coleman, J.s. (1994). **Foundation of Social Theory**, Harvard University Press.
- Coleman, J.s. (1988-9). **Social Capital in Creation of Human Capital**, American Journal of Sociology, 94: 95_120.
- Clair, Ralf, ST (2005). **Introduction of Social Capital**, Available at :
www.gla.ac.uk/centers/cradall/docs
- Ferlander, S. (2003). **The Internet, Social Capital and Local Community**, Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy
- Fukuyama, Francis. (1999). **Social Capital and Civil Sociology**, Available at :
" www.ukzn.ac.za/undpil/collier/chomsky
- Goulet, D. (1989) .**Participation in Development New Avenues**. Word Development, vol. no. 20 .p: 165_175
- Lang, J. (1994).**Urban Design - the American Experience**, New York.
- OECD (Organization for Economic Cooperation and Development) (2001), **the wellbeing of nations: the role of human and social Capital**, OECD: Paris.

- Putnam, Robert D. and Kristin A.Goss. (2002). **Introudaction "in" Democracies in flux**, p 3-21. OXFORD University Press
- Putnam, R. D. (2000). **Bowling alone: the collapse revival of American community**, Simon and Schuster, New York.
- Putnam, R. D. (1992). **Making Democracy Work**, New Jersey, Princeton University Press.
- Roiseland, R. (2005). "*Local communities and social capital*" Department of Social Sciences, Bodø University College.
- Rose, R, (1999). **Getting Things Done in an Anti- Modern Society: Social Capital Network in Russia**. Washington DC.
- Snook, J, S. (2002). **The Effect of Technology on Social Interaction in Local Community Organizations**. Thesis submitted for the degree Of Master of Science at Virginia Polytechnic Institute and State University
- The Word Bank group, **social capital for development, what is Social capital?**
Available At: www.worldbank.org/powerty/scopital/whatsc.htm
- Warney. Mildread, (1999).**Social Capital Construction: the of Role of The Local State**. Rural Sociology, 63.

